درباره ستم کشیدگی زن در ایران

بقلم فروغ راد و آذر عاصی، بانضمام ترجمه مقاله زن و خانواده ، یک بررسی تاریخی، بقلم اولین حصیر، انتشارات فانوس، نیویورک، ۱۳۵۱، ٦٤ صفحه ، قیمت معادل یک دلار.

نکته مثبت این جزوه طرح مساله ستم کشیدگی زن است که خود زمینه ای برای بحث در مورد این مساله حساس را فراهم میکند. مساله ایکه میبایست بالنفسه مطالعه شود، ونه فقط بصورت اشاره ای اینجا وآنجا. این جزوه شامل دو مقاله است. مقاله اول مسائل زن را در اجتماع امروز ایران بررسی میکند و مشتمل بر پنج بخش زیر است:

۱ــ زن در قانون ایران
۲ــ زن از نظر سنت ها و رسوم اجتماعی
۳ــ مسائل زنان دهقان کارگر فرهنگیان و روسپی ها
٤ــ ریشه بردگی زن چیست؟
٥ــ برخورد اپوزیسیون انقلابی ایران به مسائل ستم کشیدگی زن در ایران

مقاله دوم ترجمه ایست از مقاله ای بقلم حصیر تحت عنوان " زن و خانواده یک بررسی تاریخی ".

در این نقد و معرفی فقط مقاله اول مورد بحث قرار میگیرد ، مقاله دوم یک بررسی کلی است. ایضاً بیشتر مسائل مهم جزوه با در نظر گرفتن مقاله اول بحث خواهد شد.

قبل از وارد شدن به جزئیات بخشهای مقالهٔ اول لازم است به یک نقص اساسی جزوه که در تمامی آن مرتباً منعکس شده است اشاره شود. در این جزوه نسبت به مسائل ستم کشیدگی زن برخوردی صرفاً توصیفی شده ونه تحلیلی. جدا کردن این دو جنبه از هم باعث نامفهوم گشتن این مسائل شده و خواننده نمیتواند از محتوی پی به ریشه این ستمها ببرد.

۱ ــ زن در قانون ایران. در این بخش نویسندگان به بحث درباره اختلافهای قانونی بین زن و مرد در قانون ایران و تغییراتی که در چند سال اخیر در این قوانین ایجاد شده و اثر این تغییرات در وضع زن ایرانی می پردازند. اشاره میشود که قانون پایه مادی و اجتماعی دارد و ریشه ستم کشیدگی زن در قوانین نیست بلکه خود این قوانین انعکاس وابستگی اقتصادی زن به مرد است. (ص۹) ولی از پایه اقتصادی و طبقاتی این قوانین و اثر تحولات اقتصادی و اجتماعی در این قوانین تجزیه وتحلیلی نمیشود. تنها دلیلی که برای اثبات پایه اقتصادی و اجتماعی آن ذکر شده وجود خانواده پدرشاهی است که بنا بگفته نویسندگان جزوه " هنوز واحد اقتصادی جامعه را تشکیل میدهد " (ص۹).

اولاً در هیچ جای جزوه روشن نیست که منظور از واحد اقتصادی چیست وچرا به چنین واحد اقتصادی احتیاج است؟ اگر منظور از واحد اقتصادی، واحد تولیدی است ، که در جامعه سرمایه داری خانواده اصلاً نقش واحد تولیدی ندارد. ثانیاً خانواده را یک پدیده عالمگیر و یکسان میبینند یعنی بین خانواده در جامعه های مختلف و یا بین خانواده در طبقات مختلف آن جامعهٔ بخصوص هیچگونه وجه تمایزی گذاشته نمیشود.

۲ ــ زن از نظر سنت ها و رسوم اجتماعی. بحث این قسمت درباره تاثیر فرهنگ اجتماع در تربیت و شکل گرفتن شخصیت و نقش زن در ایران است ــ اینکه چطور در تربیت دختر تشویق به مادر شدن و خانه داری وزنه عمده را تشکیل میدهد ــ اینکه در اجتماع ارزش زن بر حسب زیبائی جسمی او تعیین میشود. (صفحات ۱٤ تا ۱۸). نویسندگان این نقش "کالائی" زن را که در آداب و رسوم و فرهنگ منعکس میشود در اثر وجود روابط خانواده پدرشاهی میدانند. اما توضیح اینکه این خانواده پدرشاهی تا چه حد در ایران وجود دارد بسیار ناقص است. جامعه ایکه در حال انتقال از یک نظام اجتماعی به دیگریست همیشه بعضی از خصوصیات روابط اجتماعی قدیم را با خود همراه دارد ولی این دلیل نمیشود که این روابط بر نظام اجتماعی جدید مسلط است. بلکه روابط جدید ترکیبی است از روابط قدیم و جدید. مثلاً سیستم خانواده پدرشاهی یک واحد تولیدی در نظامهای ماقبل ــ سرمایه داری بود که با آمدن سیستم سرمایه داری ناپدید نشد ولی در یک پروسه تکامل به سیستم خانوادگی جدیدی مبدل شد. همانطور که فئودالیزم باردار روابط اجتماعی سرمایه داری بود و در پروسه انتقال آن ترکیبی از روابط این دو نظام در مراحل اولیه دیده میشود.

۳ــ مسائل خاص زنان طبقات مختلف. قبل از اینکه وارد متن این قسمت بشوم لازم است که باین نکته اشاره شود که نویسندگان جزوه فرهنگیان و روسپی ها را جزو طبقات مشخص اجتماعی قرارداده اند. از چه معیاری برای این طبقه بندی استفاده شده معلوم نیست. و اصلاً درباره خانواده بورژوازی و نقش زن در آن صحبتی نشده است.

بهرحال درباره زنان روستائی در این قسمت سعی شده که ستم و استثمار زن در مزرعه و کارگاه و درخانه نشان داده شود. عامل این ستم و استثمار، "کیز" "برادر"، شوهر و یا پدر بودن زنان روستائی قلمداد شده. مانند زارعین زن که بدون دستمزد برای شوهر و برادر خود کار میکنند و زارعینی که مزد میگیرند و مزد خود را در اختیار مرد خانه میگذارند. یعنی بدون در نظر گرفتن درجه نفوذ روابط سرمایه داری در دهات (کار برای مزد) و ترکیب آن با روابط ماقبل ــ سرمایه داری (خانواده در آن واحد هم بصورت واحد تولید و هم واحد مصرف) ناآگاهانه نویسندگان. این روابط را با مقیاس مطلقی (مقیاس کاپیتالیستی امرار معاش انفرادی) می سنجند.

کارگران زن را هم بنا بر همین مبنی بدو گروه تقسیم میکنند ــ ۱) کارگرانی که در کارگاههای خانوادگی بدون مزد کار میکنند و ۲) کارگران مزد گیر که در کارخانجات نساجی، مونتاژ وغیره کار میکنند. در مورد نابرابری حقوق کارگران زن و مرد اشاراتی میشود و اینکه ازچه راههائی این نابرابری ها تحکیم میشود. مثلاً اینکه زنان کارگر نمیتوانند در شیفت شب کار کنند (ص۲۷) در این رابطه علت این اختلاف، احتیاج سیستم اقتصادی کنونی به حفظ ساختمان خانواده (واحد تولیدی؟) ذکر شده. ارتباط این دو با هم چیست؟ فقط در یک جا ذکر شده که شب زنان باید به کارهای خانواده رسیدگی کنند... دلیل این ابهام اینست که تجزیه تحلیلی از سیستم کنونی اقتصادی نشده. خود این موضوع که زنان در کارخانه ها کار میکنند نشانه ایست از عدم احتیاج بخانواده بعنوان واحد تولیدی در سیستم سرمایه داری و وابستگی هرچه کمتر آن به خانواده ماقبل ــ سرمایه داری. همانطور که در جزوه هم مطرح میشود، زنان کارگر نمیتوانند تحت شرایط کنونی کار مواظب خانواده و اطفال خود باشند. با بوجود آمدن کارخانه های صنعتی نه تنها کارگاه های خانوادگی ماقبل ــ سرمایه داری بلکه بطور کلی نقش تولیدی خانواده درحال از بین رفتن است.

۴ــ ریشه بردگی زن چیست؟ در این بخش شروع بحث بر اینست که زن نقش "کالائی" دارد و "برده" یا "کیز" مرد است و دلیل آن وابستگی مادی او نسبت به مرد ذکر شده است.

البته واضحست که کلمات "کالا" و "برده" وغیره در اینجا بصورت اشنائی بکار رفته ونه بمعنی علمی آنها. در مورد تحول خانواده از خانوار گسترده به خانواده فردی یا هسته ای و رابطه آن با صنعتی شدن و توسعه نیروی کار آمار مفیدی آورده شده (ص۳۴) ولی تحلیلی از رابطه این دو پروسه آورده نشده. در واقع خود این آمار نشانه ایست از هم پاشیدن خانواده بصورت یک واحد تولیدی.

در آخر این بخش نتیجه گیری میشود که تا زمانیکه زن وارد نیروی کار جامعه نشود "ستم کشیدگی زن ایرانی و انقیاد او در بند خانواده ادامه پیدا خواهد کرد" (ص۳۵). تاکید میشود که این درگیری تنها شرط لازم برای رهائی زن از قیود فعلی است نه کافی. نویسندگان شرط کافی را "تشکل زنان بصورت یک نیروی اجتماعی" برای بدست آوردن حقوق خود میدانند. معنی این شرط کافی چیست؟ آیا فقط تشکل زنان بصورت یک نیروی مستقل شرط کافیست؟ آیا جنبش مستقل زنان شرط کافیست؟ ماهیت خود این جنبش مستقل زنان چیست؟ چه سیاستی دارد؟ چه برنامه ای؟ به هیچ کدام از این مسائل حتی اشاره ای هم نمیشود.

۵ــ برخورد اپوزیسیون انقلابی ایران به مساله ستم کشیدگی زن در ایران. در این بخش انتقاد از انقلابیون و سازمانهائی است که مساله زن را نادیده میگیرند. یکی از انتقاداتی که در این بخش آمده بر کسانیست که جنبش زنان امریکا واروپا را خرده بورژوا تلقی میکنند. البته ما اینجا وارد بحث در باره ماهیت طبقاتی این جنبش نمیشویم که بحثی است جدا. ما در این رابطه گفته شده که زنان در این جنبش بر اساس زن بودنشان تشکل پیدا کرده اند ونه بر پایه منافع طبقاتیشان چون از هر طبقه ای که بیایند محرومیتهائی بعنوان زن تحمل میکنند (ص۳۹). از این استدلال تنها نتیجه ای که میتوان گرفت اینست که پس زن بخاطر زن بودن (یعنی فرق بیولوژیک) است که استثمار میشود و ستم میبیند. علاوه بر این نویسندگان اینطور ادعا میکنند که آگاه بودن از یکی از این محرومیتها نقطه شروع یک پروسه انقلابی

است و دینامیک خود بخود این پروسه آگاهی را علیه تمام استثمارها و نابرابریها تعمیم خواهد داد ــ (ص ۳۹)۰ در اینجا چند سوال پیش‌میآید ۰ اولاً نیروی محرک این دینامیزم چیست؟ دوماً چه دلیلی دارد که همچو پروسه ای صورت گیرد؟ چرا چنین پروسه ای انقلابی است و چه دلیلی دارد که هجر به آگاهی انقلابی شود؟ اینجا فراموش‌شده است که این محرومیتها با سیستم سرمایه داری تناقض‌ذاتی ندارد و بورژوازی قادر است با دادن رفرم و بدون اینکه به سیستم اقتصادی و منافع خود ضرری برساند این مسائل را حل کند ۰ اگر فعلا بحال در ایران و سایر کشورها این مسائل حل نشده مانده نشان دهنده ورشکستگی این سیستم است۰ برابری حقوق زن و مرد یکی از وظایف بورژوا دموکراسی است۰ بطور مثال سقط‌جنین مساله ایست که در سیستم بورژوائی انگلیس‌حل شده و قانونی است۰

البته منظور این نیست که چون حل مسائل زنان یکی از وظایف بورژوا ـ دموکراسی است زنان نباید در یک سازمان تشکل پیدا کنند و یا برای حقوق خود مبارزه نکنند ۰ درست برعکس۰ بعلت این نواقص بورژوا ـ دموکراسی وعجز آن در حل این مسائل احتیاج به چنین سازمانهائی است که برای برابری حقوق زن مبارزه شود ۰ این امکان هست که آگاهی از این محرومیتها به پروسه تکوین آگاهی انقلابی کمک کند ولی بشرطی که از اول این جنبش‌نقش‌طبقاتی خود و برنامه خود را معلوم کنند در مبارزات طبقاتی شرکت کرده مبارزه خود را توام با مبارزات طبقاتی ببینند ۰

بطور کلی اینکه بورژوا ـ دموکراسی این مسائل برابری زن و مرد را حل نکرده ، هیچ ربطی به احتیاج کاپیتالیزم به واحد تولیدی خانواده ندارد ۰ اصولاً چرا چنین احتیاجی وجود دارد؟ اگر علت ستم‌کشیدگی زن خانواده است فرق خانواده بورژوا ، خرده بورژوا روستا و کارگر چیست؟ چطور این سیستم خانوادگی در طبقات مختلف‌تحول پیدا کرده و میکند؟ این تحولات چه تاثیری در موقعیت‌اجتماعی زن گذاشته است و بکجا میرود؟ این مسائل اصلاً در این جزوه مطرح نشده ۰ بنظر من واحد تولیدی خانواده در ایران باقی مانده ــ ایست از نظام اجتماعی پیشین و در سیستم سرمایه داری بالنفسه و ضرورتاً احتیاجی به این واحد نیست۰ اگر یک خانواده طبقه کارگر را در نظر بگیریم میبینیم که اولاً برای سرمایه داری تولید مجدد نیروی کار برای پیشبرد اقتصادی آن بسیار مهم و لازم است۰ این تولید مجدد نیروی کار "آماده کردن شوهر برای کار نگهداری از اطفال و آماده کردن آنها برای استثمار شدن در کارخانه ها) ضرورتاً لازم نیست در خانواده انجام بیابد ۰ بوجود آمدن کودکستانها و غذاخوریها و خوابگاهها ـ البته بطور خیلی محدودی نشانه ای از این است که بستگی زن بخانواده روزبروز کمتر میشود۰ ولی هنوز برای سرمایه داری صرفه در اینست که خرجی در این مورد نکند و تمام اینکارها را بعهده خانواده هسته ای و بر دوش‌زن بدون مزد بگذارد ۰ با تولید وسیع کالاهای مصرفی زنان خانه دار وقت زیادتری دارند که در خارج از خانه فعالیت‌اقتصادی بکنند و امروزه تعداد زیادتری زنان در خدمات دولتی و کارخانه ها مشتغل بکار هستند ۰ این تحولات در جزوه کاملاً نادیده گرفته شده ۰ البته این دلیل نمیشود که با این تحولات طرز برخورد اجتماع به زن تغییر خواهد کرد ومرد سالاری همراه با آن خود بخود ناپدید خواهد شد ۰ این تعصبات در اجتماع خیلی عمیق است و سالها است که روی هم انباشته شده و مبارزه با این تعصبات ضروری و لازم است۰

نکته دیگری که در این جزوه مطرح نمیشود دلیل نابرابری زن و مرد در کارخانه ها است۰ چرا یک زن در کارخانه از یک مرد کمتر مزد میگیرد در صورتیکه همان مقدار کار و نوع کار را انجام میدهد؟ از لحاظ سیاسی واضحست که این فرق یک‌جدائی در اتحاد طبقه کارگر ایجاد میکند و بورژوازی از این ضعف‌طبقه کارگر استفاده سیاسی واقتصادی میبرد چنانکه همین روش‌را برای تفرقه میان کارگران سفید پوست و سیاه پوست بکار میبرد ۰ بورژوازی با دادن مزد کم به این قشر و آن قشر در طبقه کارگر برتری کاذبی میان اقشار مختلف ایجاد میکند ۰ این نابرابریها منجر به تضعیف و ایزوله ماندن مبارزات اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر میشود ۰ بورژوازی در مواقعی از این جدائی استفاده کرده یک قشر را برعلیه یک قشر دیگر بسیج میکند که موجب شکست مبارزه یک قشر و مبارزه طبقه کارگر بطور کل میشود ۰ از اینجاست که ضرورت مبارزه برعلیه تمام این گونه اجحافات برای اتحاد واقعی طبقه کارگر۰ از اینجاست که لزومیت بررسی بیشتر با دید طبقاتی برای حل مسائل زنان ؛ ادغام این مساله در برنامه مبارزات طبقاتی در دستور روز قرار میگیرد ۰ ■

ع ــ م